

یک سرپرست ساله احکام برتریم

ghasedakbaroon.blogfa.com

پس خرید و فروش ربوی (ربایی) در هر حال موجب نقصان و زیان برای خریدار و فروشنده است. بنابراین خدا رباخواری را بر بندگان حرام ساخت چون ربا مایه تباه شدن اموال می شود. این را نوشتم چون شنیده ام که آخرالزمان، همه مردم دامن شان به ربا آلوده می شود. ادامه مطلب:

یادمان نرود که فروش اقساطی، جزء ربا محسوب نمی شود. چون وقتی طرف یک مبل یک میلیون تومانی را به شکل اقساطی، یک میلیون و دویست تومان بفروشد، یعنی تو در مدت زمان بیشتری می توانی اصل پولت را نگهداری و خرده خرده از اصل پول به مبل فروشی بپرداز. این ربا نیست. و پول دو طرف قرارداد حیف و میل نمی شود. حالا...

قضیه وام مسکن را می خواهم بگویم: بانک مبلغ کلانی به شما وام می دهد تا خانه بسازی (یا خانه بخری). وقتی تو خانه دار می شوی، بانک در واقع با آن پولی که به تو داده، مالک آن خانه شده است. عقد قرارداد وام به این شکل است که بانک آن پول را به تو می دهد که صاحب خانه شود. اما چون تو خانه را لازم داری، آن را از بانک به شکل اقساطی می خری. یعنی چی؟ یعنی به بانک اقساط می دهی. خب مثلاً بانک آن خانه را با وام بیست میلیون تومانی صاحب شده. حالا تو اگر بخواهی به شکل اقساطی آن خانه را صاحب شوی، چون نمی توانی در جا و نقد بیست میلیون تومان را بدهی، بانک قسط بندی می کند. در طول ده دوازده سال، ارزش خانه تو ممکن است چهل برابر شود. پس برای تو می صرفد که در طول این ده دوازده سال، خانه ات را به مبلغ سی میلیون (یعنی ده میلیون بیشتر از مبلغ وام) صاحب شوی. این وسط پولی حرام نمی شود. سودی که بانک بابت وام از تو می گیرد، با این شرط که تو به صورت اقساطی خانه ای را که بانک مالک شده، می خواهی بخری، درست است و ربا نیست.

من نمی گویم بانک های ما تماماً طبق شرع و اسلام است، اما وام خانه را خودم پرسیدم که قضیه اش حل شود. حالا بحث وام خودرو و جهیزیه هم هست که اگر طرف این وام را بگیرد و در راه خرید خودرو یا جهیزیه خرج نکند، این ربا می شود که بحثش جداست. وام های دیگری هم هست که باید جداگانه مطرح شود.

قدیم ترها وقتی کسی می خواست کاسبی ای راه بیندازد، اول می رفت مسجد محل یا مکتب خانه. یک دوره مکاسب می خواند. بعد کاسبی اش را راه می انداخت. فرقی نمی کرد کاسبی اش چه باشد. از تجارت گرفته تا خرده فروشی. از فرش و قماش گرفته تا نخود و کشمش. راه و رسم خوبی بود. اینطور نبود که تا یکی از باباش قهر می کند، برود مغازه بزند و دکان باز کند. مولا علی (ع) هم روایتی دارد درست در همین مورد: ای مردم! ابتدا احکام، سپس تجارت! حالا البته من نمی دانم در روزگار فعلی، شرایط داشتن یک شغل آزاد (مغازه داری) چیست. ولی می دانم که مکاسب خواندن، شرط لازمی برای فروشنده ها نیست. این طور می شود که طرف، با این که آدم سالم و مذهبی ای به نظر می رسد، رباخوار می شود و کیفش کوک می شود که نان تجارتش دارد توی روغن می افتد. بدتر از همه این که خودش هم گاهی نمی فهمد که دارد رباخواری می کند. (دنباله حدیث امام علی آمده: به خدا قسم که ربا ناپیدتر از حرکت مورچه بر روی تخته سنگ سیاه است.)

ربا... واقعیش را بخواهید کمی دقت لازم دارد. با چشم و گوش بسته نمی شود معامله ای را انجام داد و به مسئله «ربا» فکر نکرد. ربا یعنی پولت به ناحق زیاد شود. یک تومن بشود دو تومن. تو ممکن است خودت را ذی حق بدانی، اما اینجا باید پای حرف شرع نشست که چی حق است و چی نه! ربا گناهی است که پای دو طرف قضیه را وسط می کشد. یکی ممکن است به تو یک میلیون تومان را قرض بدهد، به شرط آن که یک و نیم میلیون تومان پس بدهی. تو که قبول می کنی هم پایت گیر است. فکرش را بکن. آن وقت پیامبر خدا (ص) حکم داده که ربا دهنده و ربا گیرنده هر دو به یک نسبت گناهکارند

و امام صادق (ع) فرموده که ربا هفتاد جزء دارد که کوچک ترین جزء آن مثل این است که انسان با مادرش در خانه نزدیکی کند! از این شدیدتر حدیث شنیده بودی؟

نمی خواستم بحث ربا را حدیث باران کنم. اما سر سختی و تاکید احادیث در این قضیه تسلیم کرد. دیدم که همه حرف ها توی همین احادیثی است که نه من، که امام معصوم گفته است.

از امام رضا (ع) در مورد علت تحریم ربا پرسیدند. فرمود: خدا ربا را حرام کرده، چون مایه بر باد رفتن اموال می شود. زیرا وقتی انسان یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای آن درهم که خریده، یک درهم است و درهم دیگر بیهوده و نابجاست.

سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۱

نویسنده: بیاتانی

با سلام
یادم می‌آید خیلی سال پیش توی یک برگه امتحانی، تعریف ربا را نوشته بودم: همجنس بازی اقتصادی... به نظرم قبل از این که بخواهیم ربا را بفهمیم، باید عقل را بفهمیم. خدا در قرآن می‌فرماید آن‌هایی که سراغ ربا می‌روند عقل ندارند. یعنی ربا را یک کار غیرعقلانه معرفی می‌کند، اما الان توی سیستم اقتصادی دنیا، ربا یک اصل کاملاً معقول و اجتناب ناپذیر است و یکی از اصولی‌ست که سیستم‌های مختلف اقتصادی از جمله نظام بانکداری بر اساس آن استوار شده. هر چند ریشه بحران جهانی اقتصادی هم همین رباست. اما هنوز هم عقلای اقتصاد برای خارج شدن از همین بحران راه‌حل‌های ربوی ارائه می‌دهند... آن عقلی که احمقانه بودن ربا را می‌فهمد، بی‌شک با این عقلی که ما داریم زمین تا آسمان فرق می‌کند... شاید اولین خصوصیت آن عقل، این باشد که تسلیم شیطان نیست... گاهی فکر می‌کنم تمام نظام اقتصادی حاکم بر دنیا بر اساس آیه «الشیطان یعدکم الفقر» بنا گذاشته شده... یعنی عقل‌هایی این نظام اقتصادی را بنا کرده‌اند که از وعیدهای شیطان می‌ترسند... باید یک نفر بیاید دست بکشد روی سر بشر تا عقل او عقل بشود... باید بشر ایمان بیاورد به و فی السماء رزقکم...

وب سایت

سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۱

نویسنده: شازده کوچولو

اما یک سؤال واقعا پیچیده
پس سود بیست و پنج تا سی درصدی که بعضی بانک‌ها می‌گیرند چیست؟!
اگر ربا نیست، پس چیست؟! و اگر هست که واقعا دامن همه آلوده به ربا شده و آن هم اجبارا. نه اختیارا.
این ربا خواری کلا اثراتش را خوب در مردم نشان داده و حتی شاید در خودمان.

وب سایت

سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۱

نویسنده: مرجان

هر چه بر سر مردم می‌آید، از همین اثرات لقمه حرام است که یکی از آن‌ها، پول ناشی از رباست.
من که معتقدم اگر کسی می‌خواهد واقعا از خفی‌ترین معاملات ربوی هم دوری کنه، باید از بعضی وام‌ها پرهیز کنه. شاید اون دنیا ما رو بابت وام گرفتن (که می‌تونه تو دلش نوعی ربا داشته باشه) از بعضی بانک‌ها مواخذه نکنن، ولی این مانع اثرات وضعی اون پول تو زندگی مون نمی‌شه.
البته بعضی از مراجع مدلهایی برای معاملات و اخذ وام‌ها ارائه دادن که میشه با اون مدله‌ها از ربا پرهیز کرد.

وب سایت

سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۱

نویسنده: دهکده

سلام
چقدر قشنگ توی ادامه مطلب باز کردی این ماجرا رو... تا حالا بهش فکر نکرده بودم که این‌طوری هم می‌تونه باشه.... اوهم درسته... یعنی پولی که بخاطر پول بیاد، رباست. ولی اگه باهات کار بشه یا وسیله‌ای به دست بیاد نه؟!
وب سایت

سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۱

نویسنده: م.رضوی

سلام
به نظر من مشکل کنونی ما در همه زمینه‌ها ندانستن احکام نیست، بلکه عمل نکردن به آن است!

وب سایت

سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۱

نویسنده: یه مامان

تکلیف بانک‌ها چیه؟

وب سایت



چهارشنبه ۱۶ فروردین

نویسنده: مسافر

آدم به چیزایی بنویسم
دیدم

بیاتانی حرف دل مرا زده است، تمام و کمال.
کلا بیماری فراگیری است این عدم دقت به
رزاق بودن خدا
پای همه را گیر کرده است، مسلمان و غیر
مسلمان

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ (۲۲) فَوَرَبِّ
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ تَنْطِقُونَ
(۲۳ ذاریات)

و روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید در
آسمان است (۲۲) پس سوگند به پروردگار
آسمان و زمین که واقعا او حق است همان
گونه که خود شما سخن می‌گویید (۲۳)
در پناه خدا

سایت

نویسنده: سه شنبه ۱۵

نویسنده: م.ه.م

یکی از فلاسفه یونان است اگر اشتباه نکنم (افلاطون یا
ارسطو) که اعتقاد دارد که اعمال پلید انسان‌ها ناشی
از جهل است. به این معنا که اگر انسان‌ها درست را از
نادرست تشخیص دهند، به دلیل میلی که بالفطره به
حقیقت دارند، عمل درست را انجام خواهند داد.

من معتقدم که جهل می‌تواند دلیل این پلیدی‌ها باشد، اما در
سطحی پیچیده‌تر. این جهل می‌تواند جهل از نفس، یا جهل
از حقیقت اعمال و جهان پیرامون باشد و البته در کنار این‌ها
حب‌الدنیا و وسوسه‌های شیطان را هم باید در نظر گرفت.
خلاصه آن‌که مقداری از این مشکل ممکن است با
مکاسب خواندن حل شود، اما راه حل حقیقی احتیاج به
فرهنگ‌سازی و روشننگری عمیق‌تری دارد.

به عنوان مثال ساده‌ترین احکام مانند ده فرمان را چه
کسی هست که نداند؟ یا خود در جامعه امروزی قادر به
درکش نباشد؟ اما از این احکام چه مقدار در جامعه امروزی
ما اجرا می‌شود؟

تعبیر امروزی ده فرمان به این شرح است: ۱. مرا به خدایی
بشناس ۲. مرا پرستش کن ۳. غیر از مرا پرستش نکن ۴.
از نام من (خداوند) سوء استفاده نکن ۵. به پدر و مادرت
نیکی کن ۶. قتل نکن ۷. زنا نکن ۸. شهادت دروغ نده ۹.
دزدی نکن ۱۰. به مال و ناموس دیگران طمع نکن.
موفق باشید

وب سایت

نویسنده: سید مسعود شجاعی طباطبایی

با اهدای سلام و احترام

در ارتباط با مطلب «یک سر به رساله
احکام بزنیم» باید بگویم کاملاً با شما
موافقم. متأسفم که ربا به شکل‌های
مختلف در جامعه رواج دارد. در بانک‌ها اگر
پولی را به عنوان بهره پول‌تان بگیرید حکم
ربا دارد،

در مورد وام بانک‌ها و بهره آن، هنوز خودم
به شخصه متقاعد نشدم...

در هر صورت بحث مفید و خوبی است،
قطعا عزیزان صاحب نظر می‌توانند بیشتر
راهنمایی کنند...

التماس دعا

سایت

سه شنبه ۱۵ فروردین ۱۳۹۱

نویسنده: نصیری

یکی از ویژگی‌های صدر اسلام این بود که وسط بازار،
مسجد بود. نمونه بارز آن مسجد بازار تهران است.
بازاری‌ها موقع نماز می‌آمدند و مسائل پیش آمده را
می‌پرسیدند. الان کارشناسان مذهبی و بازاری‌ها
فاصله نسبتاً زیادی با هم دارند که باعث می‌شود بازاری
برای خودش فتوی می‌دهد و آنی می‌شود که شما
نوشته‌اید. فقط یک چیز می‌دانم. امام در روز عاشورا
عدم توجه مردم به حرف‌شان را لقمه حرام می‌دانست.

وب سایت